

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**بررسی علیت
از دیدگاه قرآن کریم
(با تأکید بر تفسیر المیزان)**

استاد راهنما:

دکتر علی شیروانی

استاد مشاور:

دکتر سید محمود موسوی

نگارش:

عادلہ سادات قدسی پور

تابستان 1392

تشر و قدردانی

از خدای متعال سپاسگزاری می‌کنم که درهای رحمتش را بر این بنده حقیر گشود و مرا در مسیر کسب علم قرار داد. اکنون که نگارش این پایان نامه به پایان رسیده است، بر خود لازم می‌دانم که از زحمات اساتید گرانقدر، جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی شیروانی که زحمت راهنمایی پایان نامه را بر عهده داشتند و از راهنماییهای ایشان در طول نگارش پایان نامه کمال استفاده را بردم و نیز جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود موسوی که زحمت مشاوره پایان نامه را بر عهده داشتند و همچنین از داور محترم، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. همچنین از اساتید ارزشمندی که در تمام طول تحصیل، اینجانب را در کسب علم یاری رساندند، به ویژه از استاد گرامی ام جناب آقای دکتر مجید شهریاری، به خاطر ایجاد علاقه فراوان در اینجانب به ادامه تحصیل در رشته فلسفه، کمال تشکر را دارم. نیز، از پدر و استاد گرانقدرم، جناب حجة الاسلام والمسلمین سید محسن قدسی پور که همواره از ابتدای تحصیل در این رشته همچون معلمی دلسوز همراه من بودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از مادر و خواهر گرامیم، به خاطر یاری رساندنشان در امر تحصیل کمال سپاسگزاری را دارم. از همسر عزیزم که همواره مشوق اصلی من جهت ادامه تحصیل بوده و تمامی امکانات را در اختیارم قرار دادند، بسیار سپاسگزارم. و در آخر، از فرزند عزیزم محمد مهدی که با صبوری خود مرا در ادامه تحصیل یاری رساند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

چکیده

خداوند متعال فطرت آدمی را به گونه‌ای آفریده است که با دیدن هر حادثه‌ای، همواره در جستجوی علت آن است. تعبیری همانند "یعقلون" و "یتفكرون" و "یعلمون" که در قرآن کریم فراوان یافت می‌شود، نیز بر همین امر دلالت دارند. از نظر قرآن کریم، برای هر حادثه‌ای سببی و علتی وجود دارد که به اذن خدای تعالی پدید آمده است. همچنین خدای سبحان برای هر موجودی حد و اندازه و مسیری معین کرده است که به وسیله علل و عوامل متقدم و مقارن، اندازه‌گیری و تقدیر می‌شوند. بنابراین، هر موجودی در موجود دیگر اثر گذارده و مؤثر می‌باشد. پس قانون علیت بر این عالم حکم فرماست. در باب ضرورت علی و معلولی، می‌فرماید که هر چیزی با اراده و خواست خداوند متعال به وجود می‌آید و اراده‌ی الهی، علت تامه‌ی ایجاد ممکنات است. در تأیید علت فاعلی، بیان می‌کند هر چیزی که از هستی بهره‌ای دارد، وجودش مستند به خدای متعال است. در خصوص امکان فقری و علت بقاء، نیز، قرآن کریم، تمامی ممکنات را فقیر و محتاج خداوند متعال دانسته و در این جهت، تفاوتی میان حدوث و بقائشان قائل نشده است. همچنین، در تأیید علت غایی، بیان می‌کند که موجودات، بیهوده آفریده نشده و دوباره به سوی خدا باز می‌گردند. در خصوص سنخیت نیز، با اشاره به اینکه موجودات، آیه و نشانه الهی بوده و از طرفی با بیان اینکه میان اعمال انسان و سعید یا شقی شدنش، تناسب وجودی می‌باشد، آن را تأیید می‌فرماید. لذا، هدف رساله پیش رو، آشنایی با دیدگاه‌های متافیزیکی قرآن کریم، در رابطه با علیت و تعمق در آن می‌باشد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، علیت، ضرورت، علت فاعلی، علت غایی، امکان فقری، سنخیت.

فهرست مطالب

1	فصل اول: کلیات و مفاهیم
2	گفتار اول: کلیات
2	بیان مسأله
3	اهمیت و فایده تحقیق
4	پیشینه تحقیق
5	اهداف تحقیق
6	سؤالات تحقیق
6	فرضیات تحقیق
7	پیش فرض های تحقیق
8	گفتار دوم: دیدگاه فلسفی
8	مقدمه
9	سیر عنوان مباحث
10	۱- معنای علیت
10	۲- اثبات علیت
11	۳- ویژگی های علیت
12	۴- برخی اقسام علت

- ۵- اصل ضرورت علی و معلولی 13
- ۶- امکان فقری 14
- ۷- علت بقاء 16
- ۸- علت فاعلی 16
- ۸-۱- اقسام علت فاعلی 18
- ۸-۲- احکام علت فاعلی 19
- ۹- علت غایی 21
- ۱۰- اصل سنخیت علی و معلولی 22

فصل دوم: دیدگاه قرآنی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

مقدمه ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

گفتار اول: ضرورت علی و معلولی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱- قضای الهی *Error! Bookmark not defined.*

1-1- معنای قضاء *Error! Bookmark not defined.*

۱-۲- معنای قدر *Error! Bookmark not defined.*

۱-۳- انواع قضا و قدر *Error! Bookmark not defined.*

۲- اراده الهی *Error! Bookmark not defined.*

۳- امر الهی *Error! Bookmark not defined.*

۴- قول الهی *Error! Bookmark not defined.*

۵- کلمه الهی *Error! Bookmark not defined.*

۶- حکم الهی *Error! Bookmark not defined.*

نتیجه گیری *Error! Bookmark not defined.*

گفتار دوم: علت فاعلی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1- دلایل قرآنی بر تأیید علت فاعلی *Error! Bookmark not defined.*

- 1-1- اثبات فاعل از طریق حیات Error! Bookmark not defined.
- 2-1- اثبات فاعل از طریق ملمات Error! Bookmark not defined.
- 3-1- اثبات فاعل از طریق برخی اسمای حسناى الهی Error! Bookmark not defined.
- 2- خدای متعال، مؤثر حقیقی Error! Bookmark not defined.
- 2-1- آیاتی که تمامی افعال و آثار موجودات را به خداوند نسبت می دهد Error! Bookmark not defined.
- 2-2- آیاتی که در آنها آثار هم به خداوند و هم به اسباب طبیعی منسوب اند Error! Bookmark not defined.
- 2-3- آیاتی که در آنها امور به اشیای دیگر نسبت دارند Error! Bookmark not defined.
- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.
- گفتار سوم: امکان فقری و علت بقاء ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- 1- دلایل قرآنی بر فقر وجودی ممکنات Error! Bookmark not defined.
- 1-1- تسبیح، دعا و ثنای موجودات Error! Bookmark not defined.
- 1-4- اعتراف انسان به فقرش در عالم ذر Error! Bookmark not defined.
- 1-5- صمدیت خدای تعالی Error! Bookmark not defined.
- 2- دلایل قرآنی بر علت بقاء ممکنات Error! Bookmark not defined.
- 2-1- باطل خواندن عقیده یهود Error! Bookmark not defined.
- 2-2- اراده الهی، نگه دارنده زمین و آسمان Error! Bookmark not defined.
- 2-3- افاضه فیض الهی به ممکنات در هر روز Error! Bookmark not defined.
- 2-4- رقیب بودن، فاطر بودن، مالک بودن و ... باری تعالی Error! Bookmark not defined.
- 2-5- وجود تدریجی انسان Error! Bookmark not defined.
- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.
- گفتار چهارم: علت غایی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- دلایل قرآنی بر تأیید علت غایی Error! Bookmark not defined.
- 1- هدفمندی نظام آفرینش Error! Bookmark not defined.
- 1-1- آیاتی که به نحو سلبی بر هدفمندی نظام آفرینش دلالت دارند Error! Bookmark not defined.

- ۲-۱- آیاتی که به نحو ثبوتی بر هدفمندی نظام آفرینش دلالت دارند. **Error! Bookmark not defined.**
- 3-1- غایت تکوینی موجودات. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲- هدفمندی خلقت انسان. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱- غایت تکوینی انسان. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۲- غایت تشریحی انسان. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۲-۱- اهداف میانی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۲-۲- اهداف عالی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳- ذکر برخی موارد در قرآن کریم، به عنوان هدف و غایت. **Error! Bookmark not defined.**
- نتیجه گیری. **Error! Bookmark not defined.**
- گفتار پنجم: سنخیت. **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- دلایل قرآنی بر تأیید اصل سنخیت. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱- آیه بودن موجودات. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱-۱- معنای آیه. **Error! Bookmark not defined.**
- 1-2- انواع آیه. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱- موجوداتی که در شمار آیات الهی آمده‌اند. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲- تناسب وجودی میان عمل و کیفر و پاداش. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱- انواع رابطه میان عمل و جزای آن. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۲- تأثیر متقابل اعمال در یکدیگر. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۲- ارتباط اثر با مؤثر. **Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۲- تأثیر اعمال انسان بر جهان خارج. **Error! Bookmark not defined.**
- نتیجه گیری. **Error! Bookmark not defined.**
- خاتمه** **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- نتیجه گیری. **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- آثار تربیتی مترتب بر قبول علیت. **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**



پیشنهادات ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

منابع و مأخذ ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

گفتار اول: کلیات

بیان مسأله

در میان مسائل فلسفی، اصل علیت از لحاظ قدمت و سابقه، از اولین مسائلی است که فکر بشر را به خود مشغول کرده است. این اصل هم در حوزه فلسفه و هم در حوزه سایر علوم، اساس و پایه هر نوع معرفتی تلقی شده، به گونه‌ای که بطلان و تزلزل آن، منشأ تزلزل معرفت بشری است. به عبارت دیگر، کلی‌ترین اصول مورد نیاز همه علوم حقیقی، در فلسفه اولی مورد بحث واقع می‌شود و مهم‌ترین آنها، اصل علیت و قوانین فرعی آن، نظیر ضرورت علی و معلولی و سنخیت میان علت و معلول است. ضرورت علی و معلولی یعنی هر جا علت تامه‌ای تحقق یافت، معلول آن هم بالضروره به وجود خواهد آمد؛ و نیز تا سبب تام تحقق نیابد، هرگز مسبب آن هم موجود نخواهد بود. سنخیت نیز بدین معناست که هر معلولی، علت مناسب و ویژه‌ای دارد. تبیین این قوانین، تنها بر عهده علم فلسفه است.

از سویی، تمام تلاش کسانی که منکر نظام علیت‌اند، برای انکار علل وجودی، یعنی، انکار علت فاعلی و غایی می‌باشد. چرا که در نظام علیت، تحقق موجودهای مجرد، بدون علت مادی میسر است اما بدون علل فاعلی

و غایی، هرگز صورت نمی پذیرد. بنابراین، بخش زیادی از اهمیت قانون علیت، بر محور علل وجودی قرار دارد.

همچنین، این اصل به ویژه در مباحث فلسفه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که اثبات خداوند متعال، صفات او و رابطه‌اش با نظام آفرینش و کیفیت صدور افعال، با این بحث معنا پیدا می کند.

حال برآنیم تا بدانیم که از نظر قرآن کریم، جایگاه اصل علیت چیست. آیا در قرآن کریم راجع به اصل علیت بحثی به میان آمده و قرآن کریم، آن را قبول دارد؟ پاسخ به این سؤال مثبت بوده و ما مدعی هستیم که قرآن کریم، این اصل را تأیید فرموده است.

لذا بر آن شدیم تا به کندوکاو در آیات قرآن کریم پرداخته و آیات نورانی آن را در باب علیت، استخراج نمائیم. در این راه از تفسیر شریف المیزان و نظریات علامه (ره)، بهره‌های فراوانی گرفته و مباحث ایشان را محور بحث خود قرار داده‌ایم.

همچنین، با بررسی آیات شریفه، دریافتیم که بیشتر آیات، به گونه‌ای زیر مجموعه قوانین فرعی علیت یعنی، اصول ضرورت و سنخیت و یا علل وجودی یعنی، علت‌های فاعلی و غایی قرار می گیرند.

لذا، در این رساله، در بخش اول، اندکی درباره تعاریف فلسفی این علل و قوانین از منظر حکمت متعالیه پرداخته‌ایم و در بخش دوم، این موارد را از منظر قرآن کریم، مورد توجه قرار داده‌ایم.

لازم به ذکر است، به دلیل آنکه در کتب و پایان‌نامه‌های متعددی به بررسی دیدگاه‌های مختلف فلسفی علیت پرداخته شده است، ما بخش اندکی را به این موضوع اختصاص داده و بیشتر به بررسی این اصل، از دیدگاه قرآن کریم پرداخته‌ایم. امید است که مورد قبول واقع شود.

اهمیت و فایده تحقیق

ما معتقدیم که در اسلام، میان عقل و وحی هماهنگی وجود دارد. از سویی، تمامی ادراکات بشری، جنبه کاشفیت و روشنگری، اما با مراتب متفاوت، دارند. مرتبه نزولی آن، ادراکات ظاهری و حسی است که حکایتگر خارجند. از این مرتبه بالاتر، مرتبه ادراکات عقلی می‌باشد که در جنبه کاشفیت با مرتبه ادراک ظاهری اشتراک دارد. مرتبه بعدی، مرتبه کشف و شهود و مرتبه اعلی آن، وحی است که گونه‌ای از ادراک

ویژه برای انبیاء و رسولان خداست. این گونه هم‌خوانی، در عین تمایز و تفاوت، ویژگی اساسی مقولاتی است که نسبت به هم، تمایز طولی و امتداد مرتبه‌ای دارند. پس همانگونه که داده‌های وحیانی برهان پذیر و مورد اعتماد عقل است، مکشوفات عقلی نیز مورد تصدیق و پذیرش وحی قرار دارند. این رساله درصدد است که به هماهنگی بین عقل و وحی در این موضوع خاص، یعنی اصل علیت بپردازد.

اصل علیت و قوانین فرعی آن، از مهمترین اصول فلسفی است. به گونه‌ای که محور همه تلاشهای علمی، کشف روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها است و این اصل، به عنوان یک اصل کلی و عام، مورد استناد همه علوم واقع می‌شود که درباره احکام و موضوعات حقیقی بحث می‌کند. از سویی دیگر، کلیت و قطعیت هر قانون علمی، مرهون قوانین عقلی و فلسفی علیت است و بدون آنها نمی‌توان هیچ قانون کلی و قطعی را در هیچ علمی به اثبات رسانید.

همچنین، اهمیت این اصل، در مواجهه با نظریاتی چون نظریه عادت الله اشاعره، نظریات فلاسفه غرب نظیر مالبرانش و دکارت که معتقد به تقارن غیر علی‌اند و عقاید کسانی چون هیوم و کانت که درصدد انکار اصل علیت‌اند و یا فیزیک‌دانانی چون هایزنبرگ که معتقد به تئوری کوانتوم و رد اصل علیت هستند، صد چندان می‌شود.

پیشینه تحقیق

شواهد الربوبیه که اثر ارزشمند صدرالمآلهین است، بحث علت و معلول را تنها از منظر عقلی بررسی نموده و درباره دیدگاه قرآن کریم در این باره، سخنی به میان نیاورده است.

بدایه الحکمه، اثر نفیس مرحوم علامه طباطبایی (ره)، تنها به بیان فلسفی نکات مربوط به علیت پرداخته و در مورد نظر قرآن کریم، صحبتی نکرده است.

نهایه الحکمه، نیز که از آثار گرانبهای مرحوم علامه طباطبایی است، تنها رویکرد فلسفی این بحث را مد نظر قرار داده است. ولی در عین حال، یکی از منابع مهم این تحقیق به حساب می‌آید.

محاضرات فی الهیات، اثر آیت الله سبحانی، به مواردی از اصول علیت اشاره داشته و از چند آیه قرآن کریم نیز استفاده شده، اما نخست آنکه این کتاب به شرح و توضیح کامل آیات نپرداخته و دوم آنکه از دیدگاه

دیگری، نه با محوریت اصل علیت، به این نکات اشاره کرده است. با این وجود، به عنوان یکی از منابع در این رساله، استفاده شده است.

آموزش فلسفه آیت الله مصباح که در جلد دوم آن به طور مفصل به اصل علیت و موضوعات پیرامون آن پرداخته شده است، تنها بعد فلسفی این مطالب را مد نظر قرار داده و در مورد دیدگاه قرآن کریم، سخنی به میان نیاورده است. در هر حال، این کتاب یکی از منابع رساله پیش رو می باشد.

البته، سایر کتب ایشان نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. در برخی کتب، به ذکر چند آیه در این مورد، بسنده کرده اند.

رحیق مختوم آیت الله جوادی آملی، که شرح اسفار اربعه است، به توضیح مبانی فلسفی علیت و مسائل پیرامون آن پرداخته است. در عین حال، از منابع این رساله به شمار می رود.

در کتب فلسفی شهید مطهری نیز، در برخی موارد، تنها تعدادی از آیات ذکر شده اند.

در خصوص پایان نامه های مرتبط با موضوع این رساله، باید بیان کرد که در این پایان نامه ها، بحث علیت به لحاظ فلسفی و از دیدگاه های مختلف فلسفه اسلامی و غربی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده، اما در هیچ رساله ای به دیدگاه قرآنی این بحث، اشاره نشده است.

مقاله ای نیز با این عنوان یافت نشد و برخی مقاله های موجود، تنها قسمت کوچکی از این موضوع را مد نظر قرار داده و به بررسی آن پرداخته اند.

اهداف تحقیق

در مسائل مابعدالطبیعه، دو روش جهت بررسی مباحث، وجود دارد. یک روش عقلانی و استدلالی که از منظر عقل درباره احکام متافیزیکی صحبت می کند؛ و یک روش وحیانی و نقلی که از منظر وحی، مباحث را دنبال می نماید. اما ما اعتقاد داریم که عقل و وحی، با یکدیگر تلازم دارند. پس هنگامی که موضوعی را از منظر عقلی بررسی کردیم، باید از منظر وحی نیز بررسی نماییم تا بینیم نظر قرآن کریم و ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره آن، چیست. لذا، هدف این رساله آشنایی با دیدگاه های متافیزیکی قرآن کریم در رابطه با اصل علیت و تعمق در آن می باشد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: دیدگاه قرآن کریم در رابطه با علت چیست؟

سؤالات فرعی:

- 1) از منظر قرآن کریم رابطه ضروری علی و معلولی، چگونه است؟
- 2) دیدگاه قرآن کریم درباره علت فاعلی چیست؟
- 3) از منظر قرآن کریم مناط نیازمندی معلول به علت چیست؟
- 4) قرآن کریم درباره علت غایی چه دیدگاهی دارد؟
- 5) نظر قرآن کریم درباره سنخیت میان علت و معلول چیست؟

فرضیات تحقیق

قرآن کریم، اصل علت را تأیید و بر آن تأکید دارد.

- 1) قرآن کریم، ضرورت علی و معلولی و اینکه هر معلولی نمی تواند بدون علت باشد را پذیرفته و بیان می کند که خدای متعال، علت تامه وجود تمامی موجودات است.
- 2) قرآن کریم، علت فاعلی را تأیید نموده و بیان می کند که تنها فاعل هستی بخش و تنها مؤثر، خدای متعال است.
- 3) قرآن کریم، بیان می کند که تمامی موجودات، در حال حدوث و بقائشان، فقیر و محتاج به خدا هستند.
- 4) قرآن کریم، علت غایی را پذیرفته و عنوان می کند که جهان و مجموعه نظام آفرینش هدفمند بوده و به سوی خدای متعال در حرکتند.

5) قرآن کریم، سنخیت میان موجودات را تأیید نموده و بیان می کند که تمامی موجودات آیات الهی اند.

پیش فرض های تحقیق

1) ظواهر قرآن، حجیت دارد.

2) تفسیر و فهم قرآن به قرآن، نسبت به سایر روشها، برتری دارد.

3) میان عقل و وحی، ملازمه می باشد.

گفتار دوم: دیدگاه فلسفی

مقدمه

اصل علیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بیان اهمیت آن، همین بس که اثبات وجود حقیقی برای اشیاء عینی و خارج از نفس، مرهون اصل علیت است. چرا که از راه وجود معلول (پدیده‌های ادراکی) به وجود علت آنها (اشیاء خارجی) پی می‌بریم. لذا بدون این اصل، همیشه این سؤال باقی است که از کجا معلوم، به غیر از این ادراکات و صور ذهنی، حقیقتی عینی وجود داشته باشد؟

همچنین، اثبات مطابقت ادراکات با اشیاء خارجی (بعد از پذیرفتن آنها) نیازمند به قوانین فرعی علیت است. یعنی، تنها به کمک قوانین علیت (اصل سنخیت)، ثابت می‌شود که علت پدیده‌های ادراکی مختلف و متغیر، حاکی از ابعاد و اشکال گوناگون اشیاء مادی متناسب با آنها است.

علاوه بر این، ارائه یک قانون کلی و خدشه ناپذیر، در پرتو قبول اصل علیت و قوانین فرعی آن است. به عبارت دیگر، تنها از طریق قانون ضرورت علی و معلولی میان اشیاء است که می‌توان ادعا کرد، همواره پدیده‌های خاص، همزمان یا به دنبال پدیده‌های دیگر تحقق می‌یابند.^۱

1. ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، 2جلد، دوازدهم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1391، ج 1، صص 121-122؛

و ج 2، صص 26-28

بنابراین، اصل علیت، قانون پایه و بدیهی‌ای است که همه علوم به آن اتکاء داشته و انکار آن، مستلزم تزلزل معرفت بشری است.

سیر عنوان مباحث

علیت، دایره بسیار گستره‌ای دارد که مباحث زیادی در آن جای می‌گیرد. اما از میان همه مباحث، دو قانون بسیار مهم از این اصل منشعب می‌شوند که اگر اثبات نگردند، قانون علیت به تنهایی کارایی زیادی ندارد.^۱ یکی «اصل سنخیت» و دیگری «اصل ضرورت علی و معلولی» میان موجودات است.

«اصل سنخیت» یعنی آنکه علت خاص، همواره معلول خاص را به دنبال دارد. اگر ما این اصل را نپذیریم، باید انتظار داشته باشیم که هر معلولی، از هر علتی صادر شود؛ در حالی که در نظام خارج چنین نیست.

«اصل ضرورت علی و معلولی» نیز به ما می‌گوید که علت، ضرورت دهنده به معلول بوده و محال است که معلول از علت تامه خود انفکاک یابد. همچنین مبحث مهمی که از این اصل نشأت می‌گیرد، این است که ملاک نیازمندی معلول به علت چیست؟ و آیا این نیازمندی، تنها در حدوث است و یا معلول در بقایش نیز محتاج این علت می‌باشد؟

از آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که اصل علیت، بیان‌کننده ارتباط و پیوستگی میان موجودات، و اصل سنخیت، تبیین‌کننده نظام معین میان موجودات، و اصل ضرورت، نشان‌دهنده وجوب و ضرورت میان موجودات است که باید به شرح هر یک از آنان پرداخت.

بنابراین، ابتدا به تبیین اصل علیت و برخی اقسام آن و سپس به یکی از اصول مهم منشعب شده از آن، یعنی اصل ضرورت علی و معلولی پرداخته و بیان می‌کنیم که علت، ضرورت‌دهنده به معلول است. سپس دلیل دادن این ضرورت را توضیح داده و بیان می‌کنیم که این نیاز در بقاء نیز می‌باشد. از سویی، به دلیل آنکه علت فاعلی در حقیقت همان چیزی است که به معلول، ضرورت می‌دهد، به بررسی این علت پرداخته و چون علت فاعلی و علت غایی، هر دو از علل قوام وجوداند، بحث علت غایی را بعد از آن طرح کرده و در آخر به بررسی اصل سنخیت از نظر حکمت متعالیه و علامه (ره) در این فصل، و از نظر قرآن کریم در فصل بعدی، می‌پردازیم.

1. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، 27 جلد، چهارم، تهران، انتشارات صدرا، 1376، ج 6، ص 651

بیان این نکته ضروری است که نخست، بنا بر حکمت متعالیه که معتقد به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت است و دوم، به دلیل آنکه علل قوام ماهیت، کلیت نداشته و تنها مختص موجودات مادی است و شامل مجردات نمی گردد، تنها به بررسی علل وجودی پرداخته ایم.

اکنون به بیان معنای علیت و ویژگی های آن می پردازیم.

۱- معنای علیت

در تعریف علیت باید گفت، علامه (ره) معتقدند که اساسا علیت قابل تعریف نیست. چرا که علیت از سنخ ماهیات نیست. لذا جنس و فصل نداشته و تعریف به حد نمی شود. همچنین، عرض خاص و عام هم ندارد، پس تعریف به رسم نیز نمی شود. لذا هر تعریفی برای آن، تعریف به لوازمش و یا تحلیل مفهومی آن و تنها برای تنبیه است.^۱

اما آنچه در تعریف علیت گفته می شود، این است که علیت به معنای عام، یعنی دخالت داشتن شیء ای در تحقق یافتن چیزی، به گونه ای که اگر شیء اول نباشد، شیء دوم نیز محقق نخواهد شد. در حقیقت «علیت» نوعی رابطه عمیق میان دو شیء است که یکی را «علت» و دیگری را «معلول» می خوانیم.

تعریف علامه (ره) نیز از علیت این است که ماهیت در وجود و عدم خود، نیازمند به غیر می باشد. استدلال ایشان برای این قانون، به شرح ذیل است:

۲- اثبات علیت

ماهیت در مرتبه ذاتش، نه معدوم و نه موجود است. بنابراین، نسبتش به وجود یا عدم، مساوی بوده و نمی تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد. از سویی، ترجیح بدون مرجح نیز محال می باشد. یعنی ممکن نیست که

1. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدرا، تحقیق و تنظیم: محمد کاظم بادپا، 2 جلد، اول، قم، مؤسسه چاپ و انتشارات اسراء، 1387، ج 2،

یکی از دو طرف، خود به خود رجحان یابد. پس ماهیت برای موجود و یا معدوم شدنش نیاز به غیر دارد؛ و این همان قانون علیت است.^۱

این اصل، ویژگی‌هایی نیز دارد که بنا به اهمیت موضوع، اندکی درباره آن بحث می‌کنیم.

۳- ویژگی‌های علیت

- 1- امری وجودی، خارجی و بالفعل می‌باشد؛ نه ذهنی و اعتباری.^۲ یعنی، تأثیر و تأثر موجودات طبیعی نسبت به یکدیگر، یک امر بالفعل خارجی است که همواره به یک شیوه واحد عمل می‌کند.^۳
- 2- این اصل، سیطره عام بر همه ابعاد هستی دارد، چندان که حتی استدلالها نیز از این اصل بی‌نیاز نیستند به گونه‌ای که هر نوع استدلالی به مقدماتی نیاز دارد و باید میان مقدمات و نتیجه آن، رابطه ضروری برقرار باشد تا نتیجه حاصل شود.
- 3- از راه حس نیز قابل اثبات و یا نفی نمی‌باشد. چرا که با حس، تنها می‌توان دو شیء را در کنار هم دید و یا تعاقب آن دو را فهمید. اما ربط ضروری علی و معلولی میان آنها، از این طریق امکان پذیر نیست.^۴
- 4- از زمره اصول اولیه بدیهی است.^۵ (بدیهی یعنی آنچه بدون برهان و استدلال کسب شود و اولیات یکی از اقسام بدیهات است که قابل تعریف نیست).^۶
- 5- از طریق شهود و علم حضوری درک می‌شود. اصول اولی، تنها از طریق شهود مستقیم دریافت شده و پس از آن در قالب مفاهیمی که حکایت‌کننده از آن هستند، در سطح علم حصولی بیان می‌شوند.^۷

1. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نه‌ایه الحکمه، تصحیح و تعلیق: غلامرضا فیاضی، 4جلد، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1388 تا 1391، ج3، صص 601-602

2. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریح مختوم، 2-5 جلد، قم، مؤسسه چاپ و انتشارات اسراء، 1386، ج2-4، صص 383

3. همان، صص 397

4. همان

5. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریح مختوم، ج2-2، صص 319-321

6. سید جعفر، سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، 3جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا]، ج1، صص 341 و 396

7. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدر، ج2، ص: 152؛ ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریح مختوم، ج2-2، صص 321-322

لازم به ذکر است که گرچه مفهوم علیت و اصل تحقق آن، بدیهی و اولی بوده و با برهان اثبات نمی شود و هر تعریفی برای آن تنها به منزله تنبیه است، اما علیت و معلولیت موجودات مختلف، بدیهی نبوده و به اثبات نیاز دارد.^۱

6- از جمله قضایای فطری است.^۲ (فطریات، یکی از اقسام بدیهیات است که قیاسات آنها همواره با خودشان و در ذهن انسان می باشد).^۳

اما، از جمله مسائل مطرح در علیت، اقسام گوناگون علت است. ما به برخی از اقسامی که در بخش تفسیر از آن استفاده شده، اشاره خواهیم کرد.

۴- برخی اقسام علت

علت تامه و ناقصه: «علت تامه» علتی است که تمامی آنچه را که معلول در بوجود آمدنش بدان محتاج است را، دارا می باشد. به گونه ای که از وجود آن، وجود معلول و از عدم آن، عدم معلول پدید می آید. یعنی میان علت تامه و معلول، هم تلازم وجودی و هم تلازم عدمی برقرار است.^۴

«علت ناقصه» علتی است که برخی چیزهایی را که معلول بدان نیازمند است را، دربردارد و با وجود آن، ممکن است معلول پدید نیاید. اما بدون آن، معلول هرگز محقق نمی شود. یعنی، میان علت ناقصه و معلول، تلازم وجودی نیست؛ اما تلازم عدمی هست. به عبارت دیگر، علت ناقصه، مدخلیت در وجود معلول داشته و بدون آن، وجود معلول، ممتنع است. هر چند با وجود آن، وجود معلول، لازم و واجب نیست.^۵

1. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، رحیق مختوم، ج 2-2، ص 322

2. عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدر، ج 2، ص 157؛ عبدالله جوادی آملی، رحیق مختوم، ج 2-2، ص 340

3. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج 3، ص 1426

4. ر.ک: صدرالدین محمد شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، 9 جلد، [بی جا]، دار احیاء التراث، [بی تا]، ج 2، ص 127

5. همان

علت بسیط و مرکب: «علت بسیط» علتی است که جزء ندارد. اما «علت مرکب» علتی است که از اجزاء تشکیل شده است.^۱

علل اربعه: علت، به اعتباری دیگر، به چهار قسم، تقسیم می‌گردد. به علل اربعه، علل داخلی و خارجی نیز گفته می‌شود که تقسیم آن بدین شرح می‌باشد: علت یا جزء معلول و یا خارج معلول است. اگر جزء معلول باشد: الف) یا حثیت فعلی معلول را تأمین می‌کند که در این صورت «علت صوری» نامیده می‌شود. ب) یا حثیت بالقوه آن را دربرمی‌گیرد که «علت مادی» نام دارد. اما اگر علت، جزء معلول نباشد: ج) یا مبدأ پیدایش معلول است که «علت فاعلی» نامیده می‌شود. د) یا منشأ غایت پیدایش معلول است که «علت غایی» نام دارد.^۲ به عبارت دیگر، هر ممکنی، مرکب از ماهیت و وجود است و علت یا مربوط به ماهیت و یا مربوط به وجود آن است. علل مادی و صوری از علل قوام ماهیت، و علل فاعلی و غایی از علل وجودی‌اند.^۳

اکنون، مطابق سیر بحثی که عنوان کردیم، به شرح و بررسی برخی قوانین فرعی علیت و همچنین بیان علل وجودی می‌پردازیم.

۵- اصل ضرورت علی و معلولی

«الشیء ما لم یجب لم یوجد؛ ممکن تا واجب نشود، موجود نمی‌شود.»^۴ این عبارت مهم، بیان‌کننده اصل ضرورت علی و معلولی در میان فلاسفه حکمت متعالیه است. علامه (ره) در توضیح آن می‌فرماید که وجود و عدم در ذات ممکن، نسبت تساوی دارد. پس اگر بخواهد وجود پیدا کند، از سه حال خارج نیست: الف) وجودش مستند به چیزی نباشد؛ که این، خلاف فطرت انسانی است. چرا که انسان به لحاظ فطری، قبول دارد که هیچ ممکن بدون علت، موجود نمی‌شود. ب) وجودش مستند به خودش باشد؛ که در این صورت، موجود نمی‌شود و این خلف است. چرا که گفتیم ماهیت در ذاتش هیچ اقتضایی ندارد. ج) وجودش مستند به چیزی خارج از خودش باشد؛ که این مطلوب ماست و آن چیز، همان علت است. بنابراین، ماهیت برای موجود

1. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، بدایه الحکمه، تصحیح و تعلیق: غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا]، ص 85

2. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدرای، ج2، صص 154-155

3. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریحیق مختوم، ج2-4، ص 237

4. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه، ج1، ص 228

شدنش، نیاز به علت داشته و علت در حقیقت، وجوب و ضرورت وجود را به ممکن اعطا می کند. چرا که اگر این وجوب نباشد، وجود برای ماهیت تعیین پیدا نکرده و همچنان ترجیح وجود و عدم برای ماهیت مساوی خواهد بود. پس این سؤال باقی می ماند که چرا موجود شد.^۱

لازم به ذکر است که این وجوب، یک وجوب بالغیر است که از ناحیه علت به معلول می رسد. به عبارت دیگر، یک «وجوب بالذات» داریم که به معنای این است که وجوب، از ناحیه ذات خود موجود و نه از طرف عامل بیرونی، می باشد؛ و یک «وجوب بالغیر» که به معنای آن است که ممکن در وجوبش، مستند به غیر باشد و از ناحیه آن غیر که همان علت وجود اوست، وجوب و ضرورت وجود را کسب کرده باشد.^۲

بنابراین، ممکن به جهت تساوی در ذاتش نسبت به وجود و عدم، خود به خود نمی تواند به وجود آید و نیاز به علتی خارج از ذاتش دارد که آن را موجود و یا معدوم سازد. از طرفی، برای موجود و یا معدوم شدن، باید به حد ضرورت و وجوب برسد. این وجوب از ذات خودش نیست، بلکه آن را علت خارجی به ممکن اعطا کرده است. حال بر آنیم تا دریابیم که چرا علت باید به معلول، وجوب و ضرورت را اعطا کند؟

۶- امکان فقری

دیدگاههای متفاوتی در مورد ملاک نیازمندی معلول به علت وجود دارد. اما ملاصدرا با اثبات امکان فقری، نیاز معلول به علت را در متن ذات و هویت معلول قرار داد و چون ذاتی شیء معلل نیست، زمینه برای سوال از آن نیز باقی نمی ماند.^۳ بنابراین، از نظر حکمت متعالیه، ملاک این نیازمندی، امکان فقری می باشد.

«امکان فقری» یعنی، شیء در "وجودش" نیازمند و محتاج به غیر و وابسته به علت است.^۴

برای تبیین بهتر مسأله باید گفت که ما دو نوع وجود داریم: الف) فی نفسه، که همان وجود مستقل یا وجود محمولی و یا وجود نفسی است. ب) فی غیره، که وجودی وابسته و محتاج می باشد.

1. همان، صص 228-230

2. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 6، ص 547

3. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدرای، ج 2، ص 235

4. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه، ج 1، صص 191-192

سخن ما بر سر وجود فی غیره است که در مقابل وجود فی نفسه می باشد. اما این وجود فی غیره نیز به دو دسته تقسیم می گردد: الف) به معنای حرفی که میان موضوع و محمول قضایا قرار دارد. (این معنا، غیر از نسبت هوهویت و اتحادی بین قضایا و غیر از نسبت حکمی است.) ب) وجود نعتی، که در مفهوم خود مستقل بوده و ربط و ارتباط، بیرون از ناحیه ذات بر آن عارض می شود.¹

مصادق موجود فقیر در تقسیم بندی بالا، وجود فی غیره حرفی است و اساساً مفاهیم موجود، ربط، احتیاج، فقر و معلول، از متن وجود ربط انتزاع می شوند.² پس برای ممکن، چیزی جز وجود فی غیره ای که عین ربط به وجود مستقل الهی و نشانه آن باشد، باقی نمی ماند.³

به جهت اهمیت این موضوع، اندکی درباره ویژگی های وجود ربطی، صحبت می کنیم.

ویژگی های وجود ربطی: 1) حقیقتی خارجی است که پیوند میان موضوع و محمول را برقرار می کند. 2) وجودی جدا و بیرون از موضوع و محمول ندارد. 3) موضوع بحث مواد ثلاث است. بدین گونه که اگر دارای قوت باشد، ضرورت و اگر ضعف داشته باشد، امکان و اگر هرگز محقق نشود، امتناع نامیده می شود. 4) محتاج غیر است. چرا که وجودش، فی غیره می باشد. به عبارت دیگر، در ذاتش، تعلق و ربط به غیر، یعنی وجود واجب و فی نفسه دارد.⁴

اما نحوه اختلاف وجود ربط و وجود مستقل بدین گونه است که وقتی وجود ربطی را با وجود مستقل می سنجم، وجود ربط، عین ربط و وابستگی است و چیزی از خود ندارد. ولی اگر خودش را جداگانه در نظر بگیریم، می تواند به شکل مستقل در نظر گرفته شود. پس حدود جواهر و اعراض، با نظر به خودشان و مقایسه با یکدیگر، ماهیاتی جوهری و عرضی هستند و در صورتی که با مبدأ نخستین سنجمه شوند، یکسری روابط وجودی می باشند.⁵

1. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، همان کتاب، ج 1، صص 96-100

2. همان، ج 2، ص 235

3. همان، ج 1، ص 100

4. همان، صص 96-100

5. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه، ج 1، صص 132-133

بنابراین، در جهان هستی تنها یک وجود مستقل یافت می شود که همان وجود واجب تعالی است و دیگر موجودات، همه رابط و اضافه هستند. چون وجود معلول، یک وجود رابط و اضافه است.^۱

بیان کردیم که ممکن به جهت فقر و حاجتی که دارد^۲ و نیز به علت عدم تساوی نسبت میان وجود و عدم^۳ برای موجود شدنش به علت نیاز دارد. حال سؤال اینجاست که آیا این نیازمندی به علت، تنها در حدوث ممکن است و یا در بقاء آن نیز ادامه دارد. اکنون به پاسخ این سؤال و شرح آن می پردازیم.

۷- علت بقاء

پاسخ این است که از نظر فلاسفه مسلمان، این نیاز نه تنها در حدوث، بلکه در بقاء نیز ادامه دارد. توضیح آنکه، در قسمت قبل بیان کردیم که وجود معلول، یک وجود رابط و فی غیره است که ذاتا متعلق و وابسته به علت بوده و هیچ استقلالی از خود ندارد. این نحوه وجود معلول، هیچ گاه تغییر نمی یابد. یعنی همانگونه که در حدوثش محتاج به علت می باشد، در حالت بقاء نیز این فقر و احتیاج با او همراه بوده و بنابراین، همواره به علتش نیاز دارد.

۸- علت فاعلی

از دیدگاه حکماء مسلمان، «علت فاعلی» چیزی است که به سبب آن، معلول موجود می گردد.

اثبات علت فاعلی: پیش از این بیان کردیم که ماهیت برای آنکه از حالت تساوی نسبت وجود و عدم خارج شود، نیاز به مرجح دارد. از سویی، شأن مرجح نسبت به ممکن، با شأن ممکن نسبت به مرجح، متفاوت است. بدین معنی که رابطه مرجح با ماهیت، به تعبیر علامه (ره)، شبیه به اعطاء و دادن از جانب مرجح و اخذ و قبول از طرف ماهیت می باشد. بنابراین: الف) ماهیت نمی تواند شأن مرجح را داشته باشد. چرا که دیگر شأن قبول را نداشته و نیازمند به مرجح نخواهد بود. ب) مرجح، نمی تواند شأن ماهیت را داشته باشد. چرا که در این

1. همان، ص 134

2. بنابر امکان فقری

3. بنابر امکان ماهوی

صورت، شأن اخذ و قبول را داشته و نسبتش با وجود و عدم یکسان خواهد بود. در صورتی که قرار بود، وجود به ماهیت اعطا کند. (ج) هر دو شأن و رابطه، امکان ندارد که یکی گردند. چرا که حیثیت مرجح، وجدان و دارایی می باشد و حیثیت قبول، فقدان و نداری است. در نتیجه، اجتماع این دو حیثیت در یک شیء واحد، مستلزم اجتماع نقیضین می شود و این محال است. بنابراین، نیاز به علت تامه ای است که وجود را به ماهیت افزای کند.¹

همچنین، از منظر این حکماء، هیچ موجودی را نمی توان یافت که یکی از این سه حالت نباشد: یا تنها معلول است؛ و یا هم معلول چیزی و هم علت شیء دیگر است؛ و یا تنها، علت است. و باز از دیدگاه این فلاسفه، تمامی موجودات عالم به جز باری تعالی، از دو دسته اول اند.

لذا سلسله معلولها باید به یک علتی منتهی گردند که خودش معلول چیزی نبوده تا تسلسل در علل، رخ ندهد. به عبارت دیگر، بنابر امکان فقری، وجود معلول نسبت به وجود علت خود، وجود رابط بوده و قوام آن، به علتش است. حال اگر این علت نیز معلول امر سومی باشد و آن نیز معلول دیگری، هیچ یک از علل نسبت به علت قبلی وجود مستقل نخواهد داشت. پس اگر سلسله علل که همگی معلول هستند، تا بی نهایت ادامه یابد و به یک علت غیر معلول و مستقل منتهی نگردد، هیچ یک از اجزاء سلسله، وجود و تحقق پیدا نخواهند کرد. زیرا محال است که وجود رابط بدون وجود مستقل باشد.² پس باید به یک علتی رسید که فاعل بالذات باشد و سایر موجودات از او صادر گردند.

از نظر حکماء مسلمان، خداوند سبحان به حسب قوس نزول، سر سلسله و اول العلل است. زیرا خدای تعالی، تنها علتی است که معلول چیزی نیست. فاعل بالذات بوده و قوام تمامی موجودات، به اوست؛ و دیگر علل فاعلی، در واقع معدّات و مجاری فیض، به حساب می آیند.³

بنا بر آنچه گفته شد، باید به تعریف برخی از اقسام علت فاعلی، پردازیم.

1. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه، ج 3، صص 659-662

2. همان، صص 648-649

3. همان، صص 684-677

۱-۸- اقسام علت فاعلی

فاعل، بنا به اعتبارات مختلف، تقسیمات گوناگونی دارد که ما در این قسمت به فراخور مباحث مطرح شده در بخش قرآنی، برخی از تقسیمات آن را بیان می کنیم.

فاعل تام و ناقص: «فاعل تام» فاعل بالذاتی است که به جوهر خود منشأ صدور غیر بوده و با علم به مصلحت شیء، وجود از او صادر می شود. یعنی، صورت فعل نزد او حاضر بوده و منشأ صدور آن در خارج می گردد و نیاز به آلت و ادوات ندارد. فاعل تام، فاعل نخست است. گرچه فعل این فاعل، دارای غایت و هدف است، اما خودش، غایت و هدف ندارد.^۱ از این تعاریف بدست می آید که تنها فاعل تام، خداوند متعال است.

لازم به ذکر است که فاعل تام در همه شرایط و حالات، یعنی هم در حالت حدوث و هم در حالت بقاء، با معلول بوده و حضور دارد.

«فاعل ناقص» فاعلی است که در فاعلیت خود، محتاج ادوات و آلت داخلی و خارجی بوده تا برای صدور فعل مهیا شود. آ این فاعل، حتما هدف داشته و برای رسیدن به آن تلاش می کند تا کمال خود را به دست آورد.^۳

فاعل هستی بخش و طبیعی: «فاعل هستی بخش یا فاعل الهی» فاعلی است که چیزی را ایجاد کرده و آفرینش دارد. این نوع فاعل در الهیات به کار برده می شود. «فاعل طبیعی یا محرک» تنها سبب تحریک، تسکین، تغییر و مانند آن بوده و در علوم طبیعی کاربرد دارد.^۴

فاعل حقیقی و اعدادی: «فاعل حقیقی» فاعلی است که وجود معلول، وابستگی حقیقی به آن دارد، به گونه ای که جدایی معلول از آن محال می باشد.^۵

«فاعل اعدادی» فاعلی است که وجود معلول، وابستگی حقیقی و جدایی ناپذیر به آن ندارد و تنها در فراهم آوردن زمینه پیدایش معلول، مؤثر است.^۱

۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدرای، ج ۲، ص ۲۵۰

۲. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۹۱

۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، نسیم اندیشه، ۳ دفتر، چاپ اول، قم، مؤسسه چاپ و انتشارات اسراء، ۱۳۸۷، دفتر دوم، ص ۱۵

۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریحی مختوم، ج ۲-۵، ص ۳۶۵

۵. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه چاپ و انتشارات اسراء، ۱۳۸۳، ص ۴۵۱

لازم به ذکر است که براساس توحید افعالی و با نظر به «لا مؤثر فی الوجود إلا الله»، باید گفت که تنها فاعل حقیقی، خداوند سبحان است. جز او، همه ماسوی، فاعلهای اعدادی هستند و بر این مبنا، فرقی میان موجودات مجرد و مادی نیست.^۲

با نظر به آنچه در بخش تفسیر قرآنی آمده است، باید به چند مورد از احکام علت فاعلی نیز اشاره شود، که اکنون به آن می‌پردازیم.

۲-۸- احکام علت فاعلی

حکم نخست، ضرورت قوی‌تر بودن فاعل از فعل است. وجود معلول، نمی‌تواند مساوی وجود علت باشد. زیرا وجوب و وجود علت، ذاتی است، اما وجوب و وجود معلول، از ناحیه علت است. پس علت در وجوب و وجود، احق از معلول و مقدم بر آن است.^۳

لازم به ذکر است که منظور از این وجوب، وجوب بالغیر است که از ناحیه علت بر معلول واقع می‌شود. حکم دوم و سوم، ضرورت معیت علت فاعلی (علت تام) با معلول خود، و ضرورت عدم انفکاک فعل از فاعل است. توضیح آنکه، دو شیئی که با هم معیت دارند، با یکدیگر موجود شده و یا معدوم می‌شوند؛ یعنی، اگر یکی از آن دو موجود شد، دیگری نیز موجود است و اگر یکی معدوم شد، دیگری نیز معدوم می‌باشد.^۴

برای تبیین بهتر باید بیان کرد که میان علت و معلول، دو نوع وجوب برقرار است: "یکی وجوب بالغیر" و دیگری "وجوب بالقیاس الی الغیر". وجوب بالغیر، تنها در مورد معلول صادق بوده و در اصل ضرورت علی و معلولی بدان اشاره شد. اما وجوب بالقیاس الی الغیر، هم در مورد علت و هم در مورد معلول می‌باشد. به عبارت دیگر، «وجوب بالقیاس» بدین معنی است که با فرض وجود این شیء، وجود شیء دیگر ضروری باشد. پس

1. همان

2. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریحق مختوم، ج 2-4، ص 20

3. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدر، ج 2، ص 249

4. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، همان کتاب، ج 2-4، صص 25-26

میان این دو شیء، تلازم برقرار بوده و این رابطه لاینفک است. علت و معلول نیز از آن جهت که با هم متلازمند، انفکاک آنها از یکدیگر محال بوده و لذا تصور هر یک در ذهن، سبب تصور دیگری می شود.¹

لازم به ذکر است، همانطور که بیان کردیم، این حکم برای علت فاعلی تام است. یعنی، علت تام و موجوده، الزاماً معیت وجودی در حدوث و بقاء با معلول دارد. اما علت «معدّه» از معلول انفکاک می پذیرد و اشکالی ندارد.² زیرا فاعل تامّ که فاعل بالذات می باشد، به ذات و جوهر خود و بدون نیاز به هیچ قید و شرطی زائد، در معلول تأثیر گذارده و در نتیجه تأثیر و فاعلیت از ذات او قابل انفکاک نیست و معلول از لوازم ذاتی آن است.³ اما در فاعل های دیگر، این گونه نیست.

حکم چهارم، ضرورت نفی فاعلیت از غیر خداوند متعال است. علامه (ره) با استفاده از امکان فقری و ذکر چند مقدمه به این مهم می رسند؛ که عبارتند از: 1) علیت و معلولیت در همه موجودات جریان دارد. 2) سلسله علل به موجودی منتهی می گردد که دیگر معلول هیچ موجودی نبوده و آن علت، واجب تعالی است. 3) هیچ معلولی از علت فاعلی، بی نیاز نیست. 4) بنابراین، خدای تعالی، علت تامه و علت فاعلی کل جهان آفرینش است. 5) علیت در وجود بوده و اثر جاعل، همان وجود و هستی معلول است. 6) وجود معلول، وجود رابط و قائم به وجود علت است. 7) هر حکمی که بر معلول اطلاق شود، در حقیقت به خاطر علت و به واسطه علت است. 8) یکی از احکام معلول، ایجاد و علیت نسبت به شیء دیگر است. 9) این ایجاد در حقیقت از آن علت اصلی و حقیقی است.

بنابراین، علت حقیقی، تنها خدای متعال بوده که علت فاعلی هستی بخش و مبدأ کل آفرینش است. فاعلی که قائم بذات خویش و مستقل بوده و تنها مؤثر حقیقی است و دیگر علل در حقیقت، معداتی⁴ هستند که واسطه رسیدن فیض به سایر معلولها می باشند.

1. همان، ج 1-5، ص 24؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 10، صص 104-107

2. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، همان، ج 2-2، ص 399

3. همان، ج 2-4، ص 102

4. معد در اینجا به معنای فاعلی است که مستقلاً افاضه وجود نمی کند. ر.ک: علی شیروانی، ترجمه و شرح نهاییه الحکمه، قم، بوستان کتاب،

1383، ج 2، ص 116

۹- علت غایی

«علت غایی» علتی است که فعل برای رسیدن به آن انجام می‌شود. علت غایی در وجود ذهنی، مقدم بر سایر علل بوده و در وجود خارجی، معلول علت فاعلی است. در حقیقت، علت فاعلی و علت غایی، هر یک از جهتی، علت دیگری است. بدین گونه که علت فاعلی، سبب و علت تحقق غایت در خارج است و علت غایی، علت و سببِ فاعل شدن علت فاعلی است. این نسبت، نشان‌دهنده این واقعیت است که علت غایی به علت فاعلی باز می‌گردد. یعنی علت غایی بودنِ علت غایی، به دلیل ملاحظه علت در قوس صعود (از پایین به بالا) است و گرنه علت غایی در قوس نزول (از بالا به پایین) همان علت فاعلی فاعل است و فاعل پس از وجود علمی غایت، فعل را انجام می‌دهد.^۱

دلیل علامه(ره) برای اثبات علت غایی: حرکت، برای هر موجود بالقوه‌ای از آن جهت که بالقوه است، کمال اول به حساب می‌آید. (مقصود از کمال در اینجا "وجدان پس از فقدان" است. یعنی چیزی که شیء ندارد و می‌تواند واجد آن شود).^۲ اما کمال دومی نیز برای آن وجود دارد و آن چیزی است که شیء متحرک با حرکتش به آن توجه داشته و با رسیدنش به آن از حرکت می‌ایستد. بنابراین، کمال دوم، غایت نهایی است که شیء متحرک بواسطه حرکت خود بدان رسیده و استکمال می‌یابد. نسبت این حرکت به غایت، نسبت نقص به کمال است و هیچ حرکتی خالی از این غایت نیست؛ و گرنه همه چیز تبدیل به سکون می‌گشت.

نکته لازم به ذکر آن است که بیان کردیم، فاعل تام، نقصی ندارد تا بخواهد آن را برطرف ساخته و غایتی داشته باشد. خداوند سبحان نیز به عنوان فاعل تام، غایتی نداشته و خود، علت غایی افعالی است که از او صادر می‌شود. (غایت، مخصوص فعل اوست. اما خودش از غایت بی‌نیاز است).^۳

علامه(ره) نیز، بر اساس امکان فقری، غایت بودن خداوند متعال را اثبات می‌کنند. بدین صورت که طبق آنچه تا کنون بیان کردیم، وجود معلول نسبت به وجود علت خود، وجودی ربطی است و از خود استقلالی ندارد. از سویی، سلسله علل غایی نیز باید به یک غایت بالذات و موجود لِنفسه ختم شود. چرا که در غیر این

1. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدرای، ج 2، ص 156

2. علی شیروانی، ترجمه و شرح نهایی الحکمه، ج 2، ص 130

3. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، ریح مختوم، ج 2-4، ص 408

صورت، پرسش از سبب و غایت کار همچنان ادامه خواهد داشت. پس تنها کمال مطلق و غایت بالذات است که پرسش از سبب و غایت آن بی‌معناست. بنابراین، چون خدای متعال، علت‌الاولین است و تمامی علتها، از جمله علت غایی، به او باز می‌گردند، و چون موجود لئفسه است که تکیه‌گاه هر موجودی می‌باشد، لذا، دیگر موجودات، تنها به او توجه داشته و قصد و طلب او را دارند. پس، باری تعالی، غایت هر شیء است؛^۱ و به تعبیر آیت الله جوادی، خداوند متعال، غایت همه موجودات است. چرا که غایت بالذات یعنی کمال محض که هر کمالی را دارا بوده و دیگر غایات خواهان آن هستند.^۲

بنابراین، اهداف و کارهای انسانی، مادامی که به لقای خدای متعال نرسد، اهداف متوسط و بالعرض بوده و باید به یک غایت بالذات که همان لقای الهی است، برسد.^۳

۱۰- اصل سنخیت علی و معلولی

این اصل، بیان‌کننده آن است که هر علتی، تنها معلول خاصی را ایجاد می‌کند، و هر معلولی، تنها از علت خاص و نه از هر علتی صادر می‌شود. یعنی، میان هر علتی با معلول خودش، تناسب وجودی و خاصی حکم‌فرماست که میان یک علت و معلول دیگر، این رابطه وجود ندارد. به عبارت دیگر، از آنجایی که علت، افاضه‌کننده هستی معلول و کمالات وجودی آن است، خود نیز در مرتبه بالاتری باید واجد آن کمالات باشد. لذا مقصود از سنخیت میان علت هستی بخش و معلول آن است که این کمالات در مرتبه عالی در علت، و در مرتبه نازل آن در معلول وجود دارد.^۴

این اصل، به تعبیر استاد مطهری (ره)، مهمترین اصلی است که به فکر ما نظام بخشیده به گونه‌ای که جهان را به صورت دستگامی منظم و مرتب می‌بینیم که هر جزء آن جایگاه مخصوصی داشته و هیچ جزئی ممکن نیست در جای جزء دیگر قرار گیرد.^۵

۱. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، نه‌ایه الحکمه، ج 3، صص 719-720

۲. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، همان کتاب، ج 1-1، صص 68-69

۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، 6 جلد، چاپ پنجم، قم، مؤسسه چاپ و انتشارات اسراء، 1386، ج 4، ص 256

۴. ر.ک: علی شیروانی، ترجمه و شرح نه‌ایه الحکمه، ج 2، ص 71

۵. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 5، ص 178

تا بدین قسمت اندکی در مورد علیت و دیدگاه حکمت متعالیه درباره آن سخن گفتیم. اکنون به بررسی دیدگاه قرآن در این باره می پردازیم.

